

تئاتر « المیا » در شهر « ویسزرا » در ایالت آلبا که در قرن شانزدهم تعمیر و اصلاح شده است
و نمونه زنده‌ای است از تئاترهای قدیمی رومی

صحنه گرد

از دکتر مهدی فروغ

چون بحث در باره صحنه گرد و صحنه نمایش بطور کلی در ایران بی سابقه است لازم بنظر میرسد ابتداء شرحی راجع بتعریف صحنه و تماشاخانه و طرز بنای آن در ادوار مختلف تاریخ بیان شود تا گرفتن نتیجه‌ای که در نظر است آسانتر باشد.

در دنیای متمدن امروز کلمه تئاتر دو مفهوم دارد. وقتی بمعنی عام آنرا بکار میبرند بکلیه تأسیسات و تشکیلات و سازمانهایی که بوسیله آن نمایشنامه‌ای بمعرض تماشا گذاشته میشود اطلاق میگردد. بعبارت دیگر تماشاخانه، هنرپیشه، نمایشنامه - نویس، مدیر، کارگردان، کارمندان فنی، طراح و صحنه ساز، متصدی لباس، نقاش و خلاصه تمام اشیاء و وسائل مادی و اشخاصی را که در اجرای نمایش وجودشان ضروری است شامل میگردد.

اما این کلمه بمعنای محدودتر یعنی عمارتی که در آن نمایشنامه بموقع اجرا درمی آید و این در حقیقت معنای اصلی آنست. این کلمه در اصل یونانی است و بمعنی

«دیدن» و «مشاهده کردن» است و در یونان قدیم هم بمحلی اطلاق میشده که مناظر تماشائی را در آن نمایش میداده‌اند.

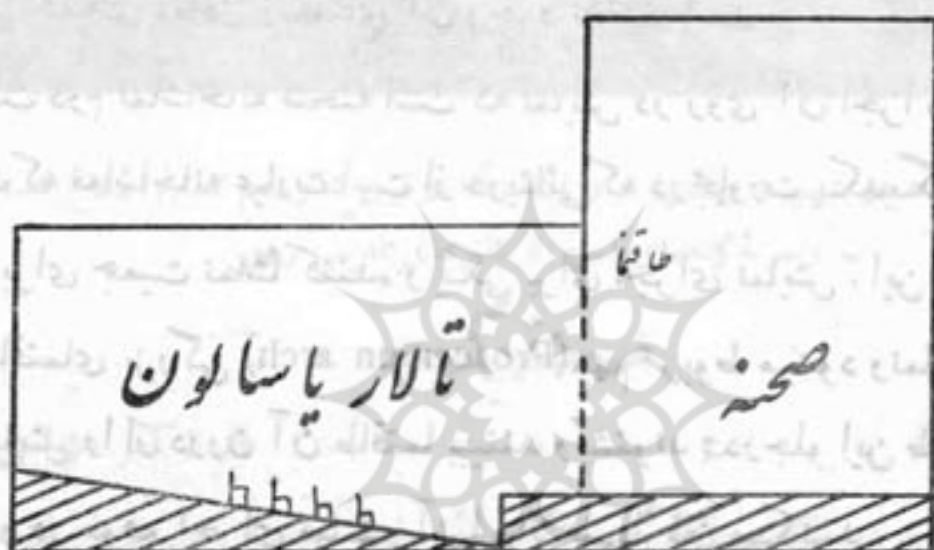
کلمه تماشاخانه نیز در زبان فارسی معادل و بنا بمفهوم دوم تأیید شده است. بنابراین تأثیر یا تماشاخانه محلی است سرپوشیده مرکب از دو قسمت مجزا. قسمت اول را در زبان فارسی تالار و یا بتقلید از زبان فرانسه سالون و بزبانهای خارجی «اودیاتوروم» (Auditorium) مینامند اختصاص بتماشا کنندگان دارد. این کلمه از اصل لاتین آن که بمعنی «شنیدن» است مشتق شده و بهمین دلیل میتوان احتمال داد که در زبان یونانی قدیم کلمه‌ای معادل و بمعنای آن وجود نداشته است.

قسمت دوم تماشاخانه صحنه است که نمایش در روی آن اجرا میشود. شاید بتوان گفت که تماشاخانه عبارت است از دو بنائی که در مجاورت یکدیگر ساخته شده باشد یکی برای جمعیت تماشا کننده و یکی برای اجرای نمایش. این دو بنا بتوسط ایوان یا طاقنمای بزرگی (Proscenium arch) بهم مربوط میشود و تماشا کنندگان میتوانند نمایش را از درون آن طاقنما ببینند و بشنوند. در جلو این طاقنما پرده‌ای می‌آویزند و در موقع اجرای نمایش آنرا بی‌الا یا بطرفین میکشند.

تاریخ بنای تماشاخانه باین صورتیکه توضیح داده شد و نمونه‌هایی از آنرا فعلاً در تهران و بعضی از شهرهای بزرگ ایران میتوان یافت اواسط قرن شانزدهم میلادی بوده است. در دوره رنسانس کشور ایتالیا یکی از مراکز عمده هنری محسوب میشد و در تالارهای بزرگی که در منزل اعیان و اشراف آن کشور بمنظور تفریح و تفنن و رقصهای دسته جمعی اختصاص داشت ایوان یا سکوئی در یک گوشه بنا میکردند و هیئت نوازندگان در روی آن قرار میگرفت. گاهگاهی هنرپیشه مسخره‌ای نیز برای سرگرمی حضار از آن سکواستفاده میکرد. همین ابتکار موجب ایجاد صحنه تماشاخانه بسبک جدید گردید. نکته‌ای را که از تمهید این مقدمه می‌خواهیم در نظر بگیریم اینست که تاریخ بنای تماشاخانه بسبک معمول فعلی، جدید است در صورتیکه تاریخ پیدایش هنر نمایش بنا بتحقیقاتی که تا کنون بعمل آمده از پنج هزار سال هم متجاوز

میباشد و بسیاری از آثار دراماتیک موقعی نوشته شده که تماشاخانه بصورت امروزی وجود نداشته است .

هرودت اولین کسی است که دربارهٔ نمایشهای مذهبی کشور باستانی مصر اطلاعاتی بمانده . تا این اواخر محققان فن نمایش باظهارات هرودت در این مورد توجهی نداشتند ولی از هفتاد هشتاد سال پیش که علمای مصر شناس پژوهشهای مفصل و پردامنه ای دربارهٔ تمدن باستانی و آثار قدیمی آن کشور بعمل آورده اند این موضوع تا حدی مسلم شده که تاریخ پیدایش هنرهای دراماتیک را از آنچه سابق بر آن تصور میشد چند هزار سال باید بعقب برد .



هرودت مبداء و منشاء جشنهای مذهبی یونان قدیم را که ششصد سال پیش از میلاد مسیح با احترام « دیونیسوس » (Dionysos) یا « باکوس » (Bacchus) خدای شراب و انگور بر پا میشد همان نمایشهای مذهبی مصر میداند . متن نمایشنامه های مذهبی مصر در دست نیست شاید هم در اصل وجود نداشته است ولی راجع بتماشا کنندگان و شرکت کنندگان در این نمایش ها آثار و علائمی بدیوار های اهرام و مخصوصاً در مقابر فراعنه دیده میشود که وجود این تشریفات دراماتیک را مدلل میسازد ولی آنچه فعلاً مورد بحث است اثبات وجود این تشریفات مذهبی نیست بلکه مطالعه در محل اجرای آنهاست .

بنابر آنچه هرودت روایت میکند و از حجاریه های باستانی آن کشور نیز استنباط میتوان کرد این نمایشها در ساختمانهای مخصوص که برای همین منظور بنا شده بود

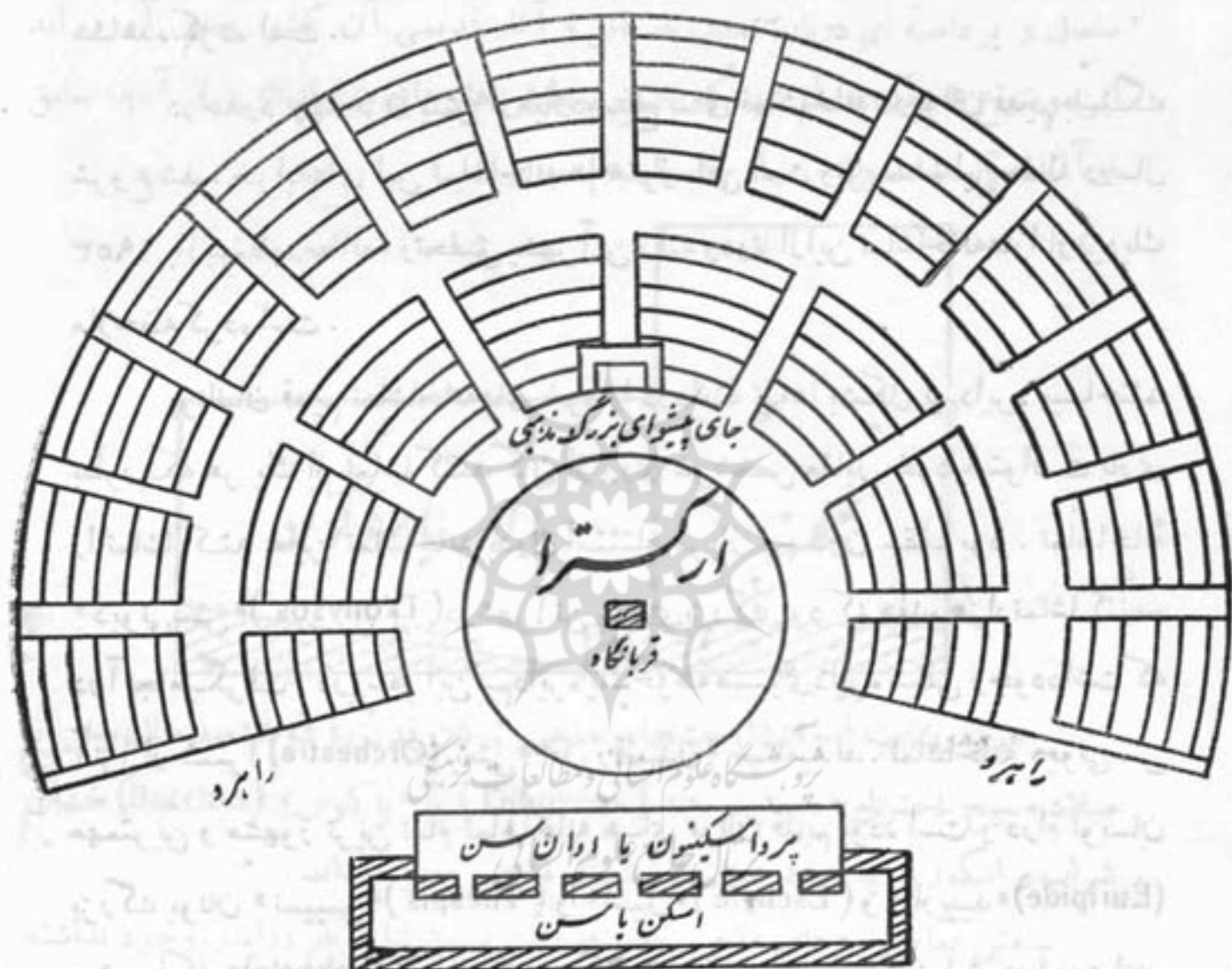
اجرا میگردید. بعضی از این نمایشها که «نمایش جشن تاجگذاری» و «نمایش اهرام» و «هبسدس» (Heb Seds) نامیده میشد اغلب در مقابر فراغنه و بعضی دیگر در معابد و پرستشگاههایی که آنها را «خانه ارباب انواع» مینامیدند اجرا میگردید. نویسنده این مقاله بمنظور تحقیق و مطالعه در همین زمینه در سال ۱۹۴۱ بمصر رفته و حجاریها و آثار و علائمی که موضوع مورد بحث را ثابت میکند از نزدیک مشاهده کرده است.

در حدود چهار قرن پیش از میلاد مسیح بنای تماشاخانه دریونان قدیم باسنگ شروع شد. خرابه‌های این تماشاخانه‌ها هنوز باقی است و نویسنده این مقاله در سال ۱۹۵۳ باز بمنظور مطالعه و تحقیق بشهر آتن رفته و دو تا از این تماشاخانه‌ها را از نزدیک ملاحظه کرده است.

یونانیان قدیم تماشاخانه‌های خود را در دامنه تپه‌ها بشکل نیم‌دایره میساختند بطوریکه هر يك از تماشاکنندگان از روی سرشخص مقابل خود میتواند بازی را تماشا کند. این تماشاخانه بدون استثناء سرباز و بدون سقف بود. تماشاخانه «دیونیسوس» (Dionysos) در شهر آتن بقدری بزرگ بود که هفده هزار تماشاکننده در آنجا میگرفت. در وسط این نیم‌دایره يك محوطه مستوی دایره‌شکلی وجود داشت که آنرا ارکسترا (Orchestra) یعنی «محل رقصیدن» مینامیدند. تماشاخانه دیونیسوس مهمترین و مشهورترین تمام تماشاخانه‌های یونان قدیم بوده است و درام نویسان بزرگ یونان «تسپیس» (Thespis) و «اشیل» (Eschyle) و «آریپید» (Euripide) و «سوفکل» (Sophocle) اولین آثار بزرگ خود را در آن بمعرض نمایش در آورده‌اند. در آنطرف ارکسترا و در مقابل تماشاکنندگان چادرهایی میزدند که برای عوض کردن لباس و ماسک هنرپیشه‌گان اختصاص داشت و آنرا «اسکن» (Sckene) مینامیدند و این همان کلمه‌ایست که بعدها بغلط «سن» (Scène) تلفظ شد و هنوز هم مصطلح است. پس از مدتی بجای این چادرها بناهای دائمی با سنگ بنا کردند که آثار آن هنوز باقی است و در جلو سن ایوانی برای بازی هنرپیشه تعبیه کردند که

آنها « پرواسکنیون » (Proskenion) مینامیدند و این همان است که بفرانسه « اوان سن » (Avant-scène) و بانگلیسی Apron Stage مینامند .

از پشت بام سن برای نشان دادن خدایان و ارباب انواع و فرشته و ملائکه استفاده میشد . در وسط محوطه ار کستر سکوئی که معرف قربانگاه و مربوط بنمایشهای مذهبی بود قرار داشت .



طرح کلی تماشاخانه‌های قدیم یونان

تخت پیشوای بزرگ مذهبی را در بهترین نقطه یعنی درست در مقابل ارکستر می‌گذاشتند و سایر تماشا کنندگان از راهروهایی که در نقشه ملاحظه میشود از پائین بیلا میرفتند و در جای خود که بصورت پله ساخته شده بود می‌نشستند .

قسمتی از بازی و مخصوصاً رقصهای دسته‌جمعی (Chœur) در قسمت ارکستر انجام میشد . ولی قسمتهای خیلی جدی نمایش در اوان سن اجرا میگردد . در هر يك از

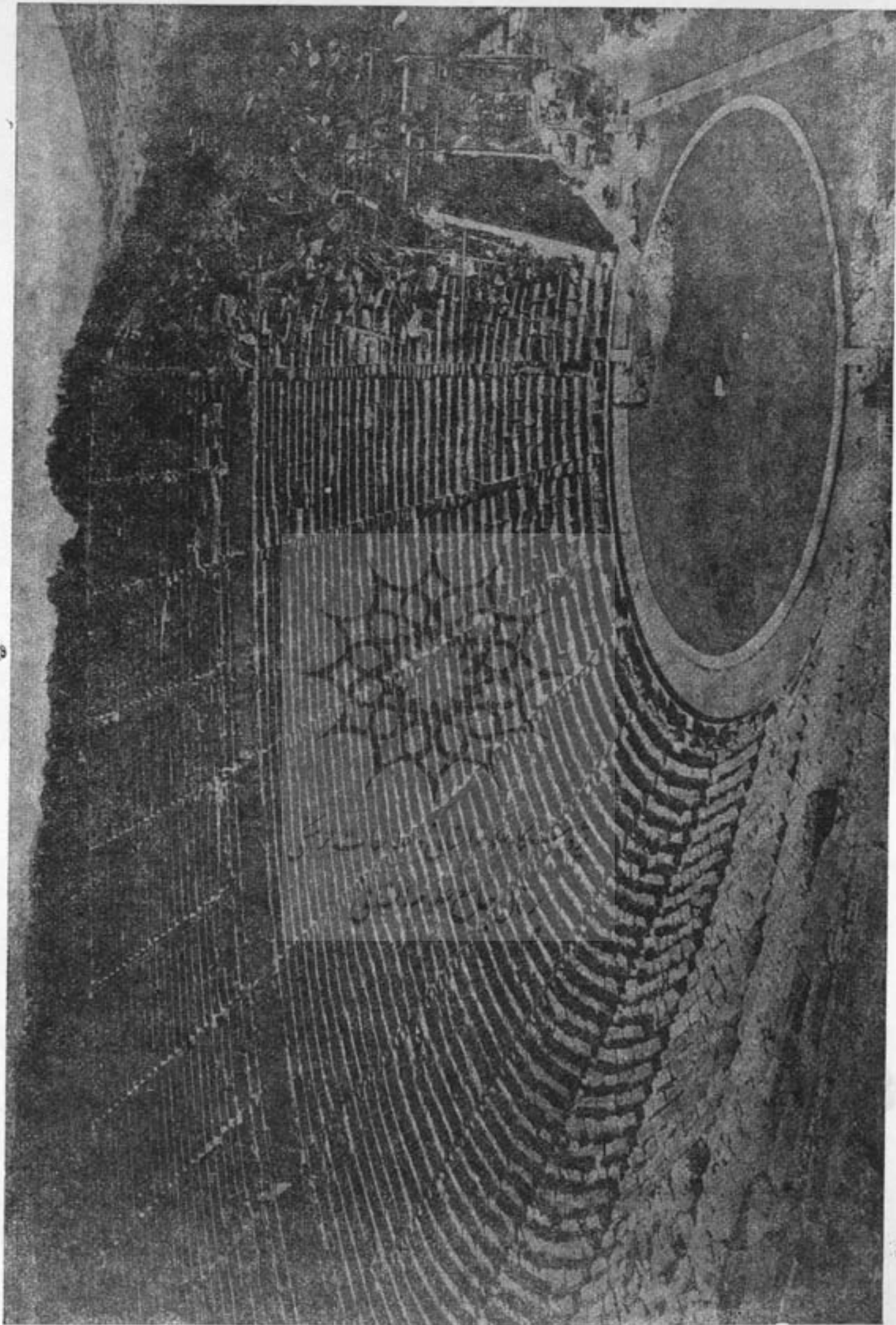
دو طرف اسکن يك راهرو بود که تماشا کنندگان و هنرپیشه ها و اعضای کر Chœur از آن داخل و خارج میشدند . در بسیاری از نمایشها اسکن بمنزله يك خانه یا يك قصر پادشاه یا يك عبادتگاه یا نظیر آن بکار میرفت . برای تغییر صحنه نمایش تمهیدهای مفصلی میزدند و تماشا کنندگان محل و موقع نمایش را درک میکردند . از روی علائم و آثاری که در خرابه های این تماشاخانه ها بدست آمده و همچنین از روی ایما و اشاراتی که در متن نمایشنامه های آن عهد میتوان یافت چنین استنباط میشود که با احتمال قوی د کور های رنگ شده متحرکی برای این منظور بکار میبرده اند . در بعضی از این تماشاخانه ها منشور سه گوشه ای تعبیه میکردند که هر سطح آن برنگ و شکل خاصی نقاشی میشد و برای نشان دادن صحنه های مختلف از آن استفاده میکردند . اسکن عموماً سه در ورودی داشت که برای دخول و خروج هنرپیشه ها از آن استفاده میشد .

موقعی که نویسنده این مقاله در آتن بسر میبرد روزی در باغ ملی بسیار وسیع آن شهر مشغول گردش بود که صدای چکش و تخته و اره نظر وی را جلب کرد . پس از نزدیک شدن بمحل فعالیت مشاهده کرد که در وسط باغ ملی تماشاخانه ای بسبک قدیم ولی باچوب و تخته میسازند که آثار بزرگان خود را در آن نمایش دهند . این شرح بسیار خلاصه ای بود از وضع صحنه نمایش در یونان قدیم . اما پیش از آنکه وارد مبحث تازه شویم لازم است چند سطری هم درباره نمایش در دوره اقتدار رم بیان شود .

نویسنده باز برای مشاهده تماشاخانه ها و خرابه های آن کشور در سال ۱۹۵۳ برم سفر کرده و تماشاخانه های رم قدیم را از نزدیک دیده است . رومیها تماشاخانه های خود را بهمان سبک تماشاخانه های یونان میساختند با اختلافاتی که هم اکنون به بعضی از آنها اشاره میکنیم . اولاً شکل تالاری که جمعیت در آن مینشست و در یونان کمی بیشتر از نیم دایره بود در تماشاخانه های رم نیم دایره کامل شد . و دایره اسکن نیز به نیم دایره تبدیل گردید و اغلب اجازه داده میشد که سناتور های رم در کنار آن بنشینند . تمام عملیات دراماتیک روی صحنه انجام میشد . تزئینات صحنه یاسن بمراتب

بیشتر گردید و بعلاوه برای قسمتی از صحنه سقف بنا کردند. يك قطعه پارچه رنگارنگ و زیبا بروی محوطه تماشا کنندگان می کشیدند تا مردم را از شدت گرمی خورشید حفظ کنند. علاوه بر این قطعه پارچه دیگری هم در جلو صحنه مانند پرده می آویختند و در موقع تغییر دادن صحنه آنرا پائین می آوردند. این پرده بر خلاف پرده امروز که از بالا بیائین یا از دو طرف باز بسته میشود از پائین بیالا کشیده میشود. دورتادور محوطه مخصوص تماشا کنندگان دیوار مرتفعی که با ستونهای مرتب و زیبا تزیین شده بود وجود داشت. قسمت تماشا کنندگان اصولاً سه یا چهار طبقه بود. نکته مهمتری که از لحاظ معماری شایسته توجه است اینست که در تماشاخانه یونان قدیم محل اختصاصی تماشا کنندگان از محل بازی یا صحنه تقریباً مجزا بود ولی در تماشاخانه های رم این فاصله از بین رفت و صحنه و تالار هر دو بنای واحدی را تشکیل دادند. بنابراین راهروهایی که در تماشاخانه های یونان برای دخول و خروج جمعیت و هنرپیشه ها بکار میرفت در تماشاخانه های رم مبدل به دالانهای سر بسته مخصوص گردید. چنانکه ملاحظه شد شکل و هیئت بنای تماشاخانه را رومی ها از یونانیها یاد گرفتند. این طرز ساختمان ابتداء در جزیره سیسیل معمول گردید و نمونه هایی از آن در شهر سیراکوز در جزیره مزبور هنوز موجود است. تماشاخانه های رم برخلاف تماشاخانه های یونان در دامنه تپه ساخته نمیشد بلکه عمارت مستقل و مجللی در مراکز پر جمعیت شهرها تشکیل میداد. هنرپیشه ها عموماً در ایوان یعنی اوان سن بازی میکردند و برخلاف پیشوایان یونانی خود از ارکسترا کمتر استفاده میکردند. رومیهای قدیم تماشاخانه دیگری نیز داشتند که دارای صحنه چوبی بود و اختصاص بنمایش های کمدی داشت ولی چون تأثیر زیادی در ترقی و پیشرفت بنای

تئاتر « ایدر » (Epidaurus) در یونان



تماشاخانه در آن کشور نکرد از ذکر آن فعلاً صرف نظر میکنیم .

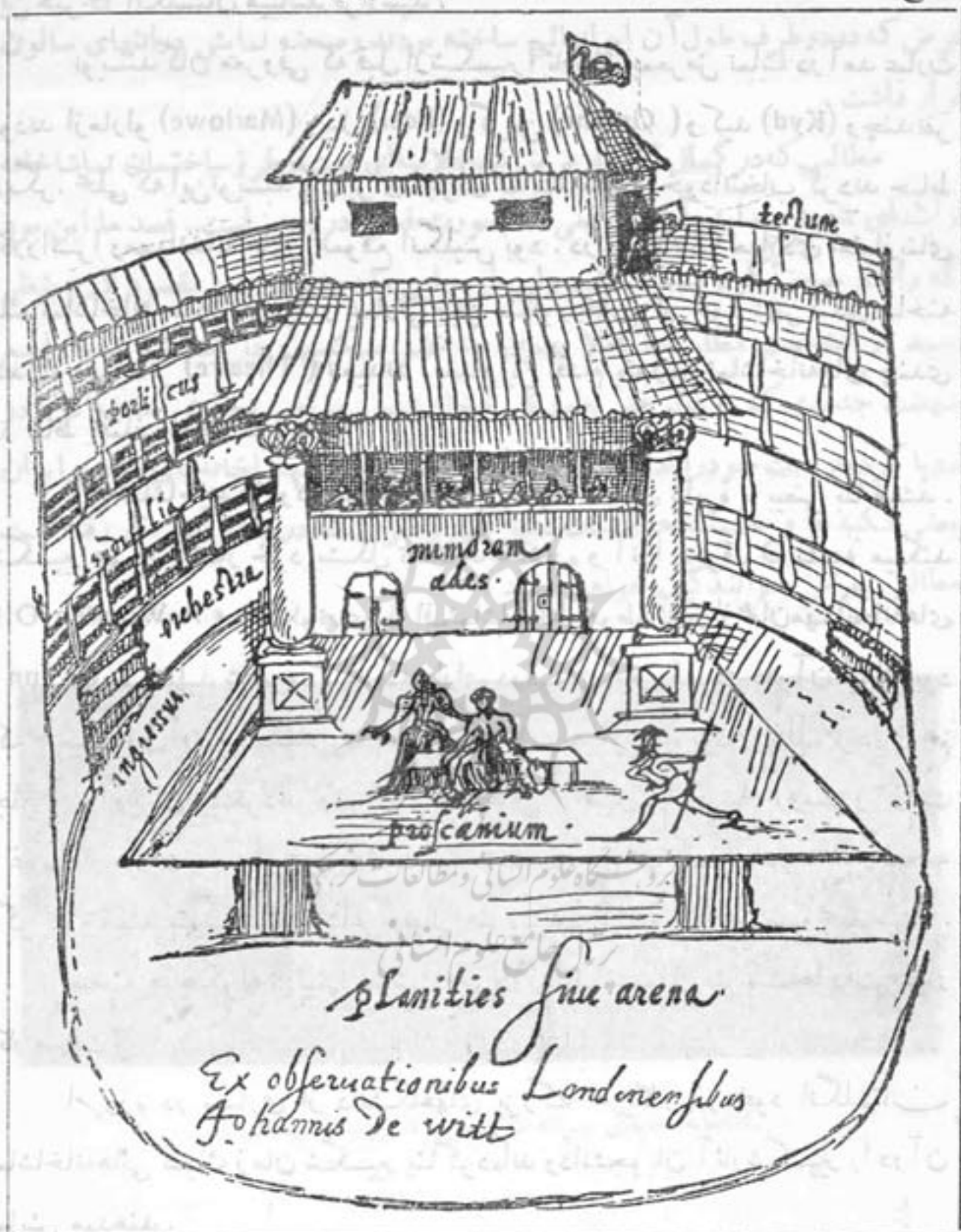
در تماشاخانه های رم هیچگونه وسیله ای برای تغییر صحنه وجود نداشت ولی برای نشان دادن عوامل فوق الطبیعه تمهید های زیادی بکار میبردند . تماشاخانه های رومی بیش از تماشاخانه های یونانی جمعیت میگرفت و در بعضی از آنها تا حدود چهل هزار نفر جا میگرفتند .

در تمام شهر های نسبتاً مهم رم قدیم لا اقل يك تماشاخانه وجود داشت و این امر میزان اعتبار و اهمیت این هنر بزرگ را در آن سرزمین معین میکند . این هم اطلاعات مختصری بود راجع بوضع صحنه نمایش در دوره پر شکوه و جلال سیادت رم بر قسمت اعظم جهان .

در اوائل پیدایش مذهب مسیح هنر های زیبا بطور کلی و نمایش و هنر پیشگی بالاخص از طرف اولیای آن مذهب موقوف و ممنوع گردید . ولی در حوالی قرن چهارم و پنجم میلادی چنین تشخیص داده شد که هنر بهترین وسیله تبلیغ و اشاعه مذهب مسیح میتواند باشد و باید از آن استفاده شود . مهمترین عامل برای ترویج هنر نمایش بی سوادی مردم بود یعنی چون مردم سواد خواندن و نوشتن نداشتند کشیشان و پیشوایان مذهب چنین تشخیص دادند که با نشان دادن حوادث و اتفاقات زندگی حضرت مسیح و حواریون او بهتر میتوانند در روحیه مردم عادی رخنه و نفوذ کنند و آنها را بقبول این مذهب و ادار سازند . باین ترتیب هنر نمایش برای ترویج مذهب مورد استفاده قرار گرفت . محل اجرای این قبیل نمایشها کلیسا بود . طرز استفاده از کلیسا برای این منظور شرح مفصلی دارد که فعلاً از حوصله این مقاله خارج است . این رویه چندین قرن ادامه داشت تا موقعی که هنر پیشه ها میدان پیشرفت کار خود را در کلیسا محدود دیدند و از آن خارج شدند و آثار نمایشی خود را ابتدا در سر گذرها و چهارسوقها یا هر گوشه ای که يك محوطه وسیع می یافتند بمعرض تماشای مردم در می آوردند .

در همین ایام هنر پیشه های دوره گرد بر سر چهارراهها یا در صحرا های خارج شهر صحنه ای با چوب و تخته تعبیه میکردند و برای جمعیت تماشا کننده که تقریباً

هر طرف صحنه را پیر میگرد نمایش میدادند . این صحنه ها متحرك بود و باقتضای
موقع و محل و فصل آنرا از يك نقطه بنقطه دیگر میبردند .



طرح تماشاخانه‌ای معروف به « تئاتر قو » در لندن که در سال ۱۵۹۶ ترسیم شده و از اسناد معتبر
و معدودی است مربوط به ساختمان تئاتر در دوره ملکه الیزابت اول

در دوره قرون وسطی عملیات دراماتیک یا در کلیسا و یا در روی این صحنه‌های

موقتی صورت میگرفت تا اواخر قرن شانزدهم که دوره مجد و افتخار و ترقی و تعالی این هنر در انگلستان میباشد فرارسید.

نویسندگان معروفی که قبل از شکسپیر آثارشان بمعرض تماشا در آمد عبارت بودند از مارلو (Marlowe) و پیل (Peel) و گرین (Greene) و کید (Kyd) و چند نفر دیگر. محلی که این نویسندگان برای اجرای نمایشنامه‌های خود انتخاب کردند حیاط کاروانسرا و مهمانخانه‌های آن موقع انگلیس بود. در سال ۱۵۷۶ میلادی امتیاز بنای يك تماشاخانه صادر گردید و عمارتی باین منظور خارج از خود شهر لندن ساخته شد که آنرا تئاتر (Theatre) نامیدند. بعد از این اقدام بتدریج تماشاخانه‌های چندی در نقاط مختلف ایجاد گردید.

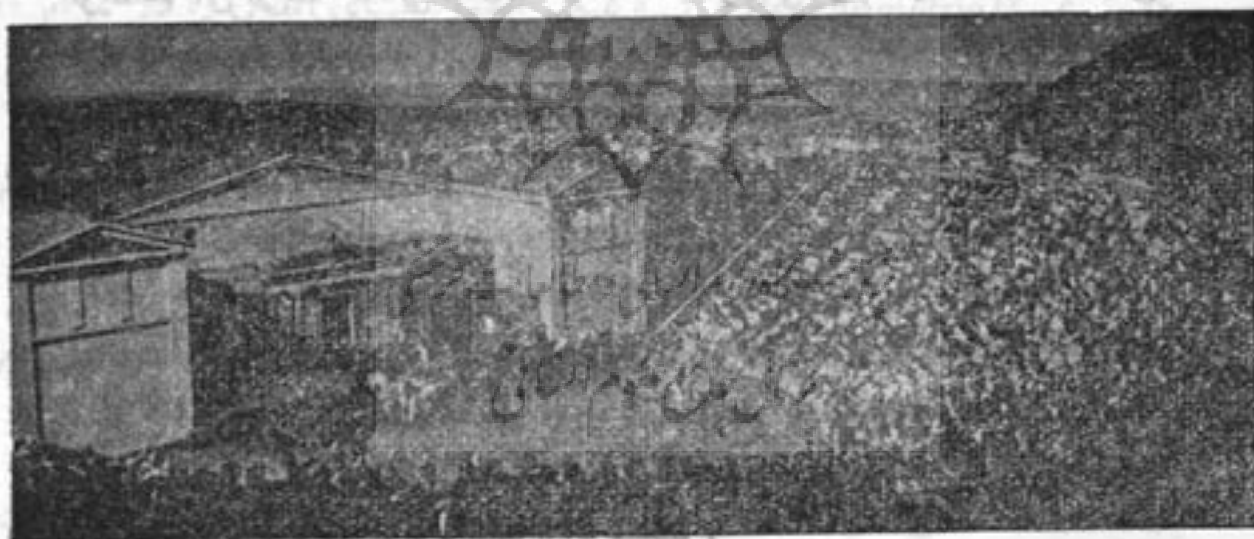
این تماشاخانه‌ها اولاً سقف نداشت و عموماً بشکل دایره یا بیضی بنا میشد. شکسپیر هم در آثار خود بشکل تماشاخانه اشاره و آنرا بخرف O تشبیه میکند « A Wooden O ». بالکونهای اطراف تماشاخانه و محوطه تالار از همان مهمانخانه‌های (Inn) قدیمی تقلید شده بود. صحنه دارای دو قسمت بود. قسمت جلو آن ایوانی بود که جمعیت دور آن می‌ایستاد. در عقب صحنه آن سر پوشیده بود و اغلب نرده‌ای هم جلو آن آویزان میکردند و برای صحنه‌هایی از قبیل راز و نیاز رومئو و ژولیت و غیره بکار میرفت. صحنه عموماً ثابت بود و تغییری در آن داده نمیشد. تغییر صحنه اگر لازم میشد بتوسط کلام شاعر و بیان هنرپیشه در آئینه خیال مستمع مجسم میشد. صحنه هیچگونه تزئینی نداشت ولی در زیبایی سیمای هنرپیشه‌ها دقت بسیار بکار میرفت.

امروزه در بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ امریکا و در خود انگلستان تماشاخانه‌هایی بسبب زمان شکسپیر بنا کرده‌اند و دانشجویان آثار شکسپیر را در آن نمایش میدهند.

و اما در فرانسه هم در اثر نفوذ هنرپیشه‌های ایتالیائی و عوامل دیگری که فعلاً مجال ذکر آن نیست ابتداء تماشاخانه‌ای در هتل دو بور گونی (Hôtel de Bourgogne) ایجاد گردید. ولی مقارن با همین اوقات تماشاخانه‌های دیگری در نیمه اول قرن

هفدهم در فرانسه بنا شد. این تماشاخانه‌ها با تبدیل کردن محل‌های سرپوشیده‌ای که اختصاص بیازی تنیس داشت بوجود آمد و عموماً عبارت بود از تالارهای طویل و کم عرض که در دو طرف طول آن ایوانهایی ساخته بودند و صحنه نمایش در انتهای سالون قرار داشت.

مطالبی که در کمال اختصار عرض شد خلاصه‌ای بود از طرز ساختمان تماشاخانه از ابتدای تاریخ پیدایش آن تا موقعی که بصورت فعلی درآمده است. قصد ما این بود که راجع بصحنه‌گرد صحبت کنیم ولی طرح این مقدمه برای این مقصود لازم بنظر رسید از اینجهت مطلب را فعلاً بهمین جا ختم میکنیم و در شماره آینده راجع بنهضت جدیدی که در عالم هنر بطور کلی ایجاد شده و موجب پیدایش صحنه‌گرد در اروپا گردید بحث خود را ادامه خواهیم داد. ضمناً راجع بتماشاخانه‌های مذهبی ایران یعنی تکیه‌ها و حسینیه‌ها و نکات دقیق فنی و هنری که در بنای آنها بکار رفته است مطالبی بعرض خوانندگان خواهد رسید.



تماشاخانه جدیدی بسبب تئاتر قدیم « دیونیسوس » در آتن